

شیخ محمد خیابانی و تعهد روحانیت

۶ مرداد ۱۳۹۴ ساعت ۲:۰۸

از جمله مبارزات شیخ در مجلس، مخالفت با پذیرش اولتیماتوم دولت روسیه تزاری بود که حکایت از تجزیه ایران داشت. خیابانی در خطابه ای مخالفت خود را با قبول اولتیماتوم اعلام داشت و پس از آنکه دولت وقت اولتیماتوم را قبول کرد و مجلس تعطیل شد، خیابانی در سبزه میدان تهران تجمعی اعتراض آمیز برگزار نمود.

۱۷ فروردین یادآور روزی است که روحانی مجاهد شیخ محمد خیابانی در راه اعتلای میهن و نجات و رهایی مردم از استبداد داخلی و استعمار خارجی قیام نمود.

آذربایجان شهیدپرور، در سال ۱۲۵۸ هجری شمسی، نوزادی را در آغوش کشید که در سالهای نه چندان دور حماسه رشادتها و شهامت‌های او شهره آفاق گردید. این روح پر خروش و خرد بیدار و جان مشتعل و حماسه عظیم، کسی جز شیخ محمد خیابانی نبود.

محمد از فرزندان خلف آذربایجان، فرزند حاج عبدالحمید خامنه ای بود که در سال ۱۲۹۷ هجری قمری به دنیا آمد. پدر شیخ از تجاری بود که در شهر "پتروفسکی" در جنوب روسیه به فعالیت اقتصادی اشتغال داشت.

محمد در کودکی به تحصیل در مکتب پرداخت و دروس معموله را به پایان برد. سپس به روسیه رفت و نزد پدرش رموز اقتصادی تجارت و کسب را آموخت. پس از مدتی به تبریز بازگشت و به تحصیل در حوزه علمیه انگجی مشغول شد. فقه و اصول را نزد استاد حوزه مرحوم حجة الاسلام آقای حاج میرزا ابوالحسن انگجی مجتهد فرا گرفت و دروس حوزه را تا مدارج قریب الاجتهاد به پایان برد.

وی علوم هیئت و نجوم و حساب را از مرحوم میرزا عبدالعلی منجم معروف یاد گرفت.

شیخ محمد در انقلاب مشروطیت فعالانه مبارزه کرد و به صف انقلابیون مسلح پیوست و در اثر همین رشادتها بود که به عضویت انجمن ایالتی آذربایجان برگزیده شد.

از جمله مبارزات شیخ در مجلس، مخالفت با پذیرش اولتیماتوم دولت روسیه تزاری بود که حکایت از تجزیه ایران داشت. خیابانی در خطابه ای مخالفت خود را با قبول اولتیماتوم اعلام داشت و پس از آنکه دولت وقت اولتیماتوم را قبول کرد و مجلس تعطیل شد، خیابانی در سبزه میدان تهران تجمعی اعتراض آمیز برگزار نمود.

شیخ محمد خیابانی از جمله رهبران روحانی است که با گزینش مردم در تاریخ معاصر چهره ای پیشتاز می یابد. این مرد در سراسر زندگی سیاسی خود به سیاست بیگانگان پیوستگی نداشت و جز عشق به دیار و سرزمین ایران چیزی محرک و پشتیبان او نبود.

"خیابانی پیوسته اندیشه بیداری و تکامل جوانان را داشت، در مباحث علمی جوانان شرکت می کرد و مباحث مختلف و نو به میان می آورد".

او در مقابل هر گونه پرسشی با کمال رأفت و مهربانی و در غایت تعقل و آرامی به ارایه پاسخهای منطقی می پرداخت و تا موضوع مورد بحث، درست مفهوم نمی شد دست از بحث بر نمی داشت. در جامعه آن روز که دولت ایران مرکب از یک عده مستوفی و شاهزاده و مستبد بود، حکام برای قبول نظم نوین و انصراف از مزایایی که به صورت رایگان برای خود به دست آورده بودند امتیازات خود را حاضر نبودند از دست بدهند. بنابراین باید گروهی از مردان با ایمان تازه نفس گرد هم می آمدند و بساط آنان را در هم می ریختند.

در زمان شیخ محمد خیابانی اوضاع جهان اسلام و همچنین ایران بسیار آشفته و تأسف انگیز بود. در ایران وجود حکام مستبد و بی کفایت از یک سو و دخالتهای بیگانگان از سوی دیگر اوضاع غیر قابل تحملی برای کسانی چون شیخ محمد خیابانی به وجود آورده بود و ملتی را که پس از انقلاب مشروطیت، انتظاری جز استقلال، آزادی و استقرار حکومتهای عدالت پرور و مردمی نداشتند چنان به مشکلات و مصائب گرفتار کرد که هرگز فکر آن را نمی کردند.

استعمارگران انگلیس، روسیه و آلمان بر سر ایران و در جهت اجرای برنامه های استعماری خود به نزاع برخاسته بودند و در امور ایران مداخله می کردند به طوری که حکومت در ایران واژه بی معنایی بود.

و در چنین اوضاع و احوالی بود که شیخ محمد خیابانی قیام کرد. این قیام همزمان با حضور انگلیس در جنوب سیستان و بلوچستان، تحركات روسیه در شمال کشور (به خصوص آذربایجان)، نفوذ آلمان هیتلری بر قدرتمداران و تعرضات متعدد عثمانی به مرزها به وقوع پیوست (نیمه دوم فروردین ۱۲۹۹ هجری شمسی).

به طور کلی شیخ محمد خیابانی مبارزه همه جانبه خود را بر دو محور انجام داد: محور اول مبارزه با جهل و ناآگاهی مردم که از موانع درونی سعادت جامعه بود و تا این مانع از میان برداشته نشود قیام ملتها برای رسیدن به سعادت واقعی غیر ممکن خواهد بود.

وی این مبارزه خود را اغلب با سخنرانیهای آتشین به انجام می رساند و علاوه بر این "روزنامه تجدد" نیز که زیر نظر خود او اداره می شد، مطالب آگاهی بخش زیادی را در سطح جامعه پخش می نمود که مجموعه این تلاش شیخ محمد خیابانی، سبب ارتقای بینش و آگاهی مردم می شد "او در حقیقت نهضتی را پایدار می دانست که پایه های فرهنگی داشته باشد و نهضت کنندگان با آگاهی و بینش دست به قیام و انقلاب زده باشند".

محور دوم مبارزه شیخ محمد خیابانی، ستیز علیه بیگانگان و بیگانه پرستان بود. او اینان را در مجموع عامل بیرونی علیه سعادت اسلام و جامعه مسلمانان می شمرد و به دنبال این روحیه ستیز علیه بیگانه بود که با اولتیماتوم روسیه به ایران در مجلس دوم سخت مخالفت کرد و در مجلس خطابه آگاه کننده ای در مفاسد پذیرفتن اولتیماتوم ایراد نمود.

خیابانی و قرارداد ۱۹۱۹

شیخ محمد خیابانی همچنین با قرارداد استعماری و وثوق الدوله با دولت انگلستان (قرارداد ۱۹۱۹) نیز به مبارزه پرداخت و مردم را از مفاسد بزرگ این قرارداد ننگین آگاه ساخت. در اثنای این قیام بود که کابینه و وثوق الدوله سقوط کرد و مشیرالدوله روی کار آمد. او نیز همچون سلف خود در صدد خاموش کردن قیام خیابانی برآمد و مخبرالسلطنه (هدایت) را به آذربایجان فرستاد.

هدایت که خودش را مخالف وثوق الدوله و طرفدار آزادی معرفی می کرد به تبریز رفت و "خیابانی" نیز هرگز حدس نمی زد که او

متوسل به اسلحه شود به همین جهت درصدد مقابله و تهیه قوای مسلح کارساز برنیامد. مخبرالسلطنه پس از چند روز مذاکره به قزاقخانه رفت و به فرمانده قزاقهای تبریز فرمان عملیات مسلحانه و قلع و قمع انقلابیون تبریز را داد و فردای آن روز هنگام طلوع آفتاب، قزاقها مرکز انقلابیون را مورد هجوم قرار داده و تصرف کردند. قزاقها در این جریان به خانه ای که خیابانی در آن بود حمله ور شده و او را به رگبار بستند. بدین ترتیب مبارزات بی امان شیخ محمد خیابانی در سال ۱۳۳۸ هجری قمری (۱۲۹۹ هجری شمسی) به شهادت وی منجر گردید. یادش جاودان و روانش قرین رحمت باد!

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۶۰۶/شیخ-محمد-خیابانی-تعهد-خیابانی-محمد-شیخ/۲۰۶۰۶>